

گونه‌شناسی مفهوم ادراک عدالت جنسیتی با تأکید بر عامل قومیت

صمد عابدینی^۱، صمد رسولزاده اقدم^۲، پرویز صبوری کرج^۳

چکیده

برداشت از چگونگی توزیع فرصت‌ها و منابع در شکل‌گیری نابرابری‌ها مؤثر است. ادراک عدالت جنسیتی متأثر از فضای گفتمانی و ساختارهای ذهنیتی است. به همین دلیل، این پژوهش با هدف مطالعه ادراک عدالت جنسیتی در بستر قومیت به مثابه زمینه فرهنگی-اجتماعی پدیده‌های اجتماعی با روش کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای انجام شده است. روش نمونه‌گیری این پژوهش، هدفمند از نوع حداکثر اختلاف است که مصاحبه عمیق با تعداد ۱۹ نفر از اقوام ترک، کرد و گیلک در ۹ شهرستان تا اشباع نظری ادامه یافت. نوع برداشت از عدالت جنسیتی، مقوله‌های عدالت جنسیتی و عوامل تعیین‌کننده ادراک عدالت جنسیتی با روش گزنددثوری با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا کشف شد. نتیجه یافته‌های پژوهش نشان داد اقوام ترک، کرد و گیلک دو نوع برداشت از عدالت جنسیتی دارند: ۱. ادراک عدالت جنسیتی سنتی و ۲. ادراک عدالت جنسیتی مدرن. آن‌ها همچنین ادراک عدالت جنسیتی را با چهار مقوله عمده بازتعریف کردند که عبارت‌اند از: ۱. عدالت مناسکی، ۲. عدالت در توانمندی، ۳. عدالت مبادله‌ای و ۴. عدالت در آزادی عمل. عواملی که در پدیدآیی عدالت جنسیتی از روایات کشف شد عبارت‌اند از: سرمایه عاطفی، سرمایه نمادین، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و تفکر قالبی.

کلیدواژگان

ادراک عدالت جنسیتی، تفکر قالبی، سرمایه‌های اجتماعی، قومیت.

۱. abedinisamad@gmail.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال

۲. samad1356@gmail.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز

۳. saboori.p@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال

مقدمه

«عدالت جنسیتی»^۱ از ابعاد مهم عدالت اجتماعی است که به سبب تأثیرش در برقراری سلامت اجتماعی و حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی زنان، صاحب‌نظران عرصه جامعه‌شناسی و مطالعات زنان را به خود مشغول کرده است.

یکی از مشکلات اصلی که در مطالعه قشر بندی بر مبنای جنسیت در جوامع امروزی مطرح شده و معمولاً پیش پا افتاده به نظر می‌رسد، میزان درک فرودستی‌های جنسیتی در اجتماع است [۱۲]. شماری از زنان جامعه، بدون پی‌بردن به نابرابری موجود، به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند؛ با این تصور که وضعیت باید این‌گونه باشد [۱۷]. اما در همه جوامع ناعدالتی جنسیتی به منزله مسئله اجتماعی فرض نمی‌شود، زیرا جامعه‌شناسان مدعی‌اند موضوع واقعی جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی کشف این نکته است که مردم چگونه به تعریفی از مسئله اجتماعی رسیده‌اند و چقدر با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد [۸، ص ۱۳].

در ایران، به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، با تعریف صحیح از رسالت زنان در جامعه اسلامی و ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت آنان در حکومت، پرداختن به مسائل اجتماعی زنان، اهمیت و حساسیتی دوچندان یافت [۵، ص ۱۱۶]. در نتیجه، پژوهش‌های زیادی درباره عدالت جنسیتی و موضوعات پیرامون جنسیت و مسائل اجتماعی زنان انجام شد، که در این پژوهش‌ها به صورت فراگیری از عدالت جنسیتی مفهوم «برابری» را مفروض گرفته‌اند [۱۳]. علاوه بر این، در این مطالعات، صرفاً نگاه پوزیتیویستی به این مسئله داشته‌اند و هریک از محققان به فراخور ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌های نظری‌شان تعاریفی متفاوت از آن ارائه کرده‌اند. هرچند در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران مفهوم «عدالت جنسیتی» به جای «برابری جنسیتی»^۲ به کار گرفته شد، اما در هیچ‌یک از برنامه‌ها، شاخص‌های روشنی برای عدالت جنسیتی ارائه نشده است.

ایران کشوری با تنوع قومیتی است. براساس آمارهای ارائه‌شده، شاخص‌های عدالت جنسیتی بین اقوام ایران متفاوت است. بر مبنای سرشماری ۱۳۹۵، سطح تحصیلات عالی زنان در استان گیلان ۴/۸ درصد، استان مازندران ۶/۲ درصد، استان اردبیل ۴/۳ درصد و در کردستان ۳/۴ درصد است. به لحاظ سطح اشتغال زنان نیز تفاوت زیادی بین گروه‌های قومی مشهود است؛ به طوری که، سطح اشتغال زنان در استان گیلان ۳۳ درصد، در کردستان ۲۹ درصد، در اردبیل ۲۶ درصد است [۲۲]. بنابراین، به نظر می‌رسد متغیر «قومیت» از متغیرهای مهمی است که افراد به واسطه آن در بازتعریف عدالت جنسیتی برداشت‌های متفاوتی ارائه دهند.

با عنایت به مباحث مطرح‌شده می‌توان گفت تعلق داشتن به قومیت خاص مجموعه‌باورها و ارزش‌هایی را در فرد به وجود می‌آورد که جهان پیرامون خود را بر مبنای آن درک و تفسیر

1. gender justice
2. gender equality

می‌کند و سپس به کنش می‌پردازد. از آنجا که در برداشت از مفهوم «جنسیت و عدالت جنسیتی» افق‌های تاریخی، اجماع کنشگران و ویژگی‌های ایدئولوژیکی تأثیرگذار بوده، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این مسائل اساسی است که: عدالت جنسیتی با چه طرح‌واره‌های فکری و با توسل به چه واژه‌هایی تعریف و تفسیر می‌شود؟ گروه‌های قومی عدالت جنسیتی را با چه مقوله‌هایی معرفی می‌کنند؟ کدام عوامل اجتماعی به پدیده عدالت جنسیتی شکل می‌دهند؟

پیشینه تجربی پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش‌های زیادی در مورد خشونت علیه زن، همسرآزاری، کلیشه‌های جنسیتی، نقش‌های جنسیتی، تبعیض و نابرابری جنسیتی، در داخل و خارج از کشور، انجام شده که ارتباط نزدیکی با «عدالت جنسیتی» دارند. در غالب پژوهش‌های صورت گرفته، نتایج یافته‌ها بیانگر آن است که زنان قابلیت تصمیم‌گیری و مدیریت در سطح کلان را ندارند و به‌طور سنتی نقش‌های زنان با کارهای خانگی مرتبط بوده است.

اچاوز و همکارانش (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان» با روش تلفیقی (کمی و کیفی) در چهار ولایت ننگرهار، تخار، بامیان و کابل انجام دادند. آن‌ها نتیجه گرفتند که پاسخ‌دهندگان مردان را «تأمین‌کننده نفقه»، «نان‌آور خانه» و مسئولیت زنان را «مدیریت خانه» بیان داشتند. در این مطالعه، آن‌ها دریافتند مردان قدرت زیادی نسبت به زنان در تصمیم‌گیری و مدیریت خانواده دارند؛ اما این نگرش بین جوانان و تحصیل‌کردگان کمتر دیده می‌شود. همچنین، در ایالت لنگرهار، که به لحاظ توسعه‌یافتگی نسبت به کابل و بامیان سطح پایینی دارد، مردسالاری بیش از سایر مناطق است [۱].

کلین گورووا و هاولیک (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «مذهب و نابرابری جنسیتی: وضعیت زنان در جوامع ادیان جهانی» تأثیر دینداری بر نابرابری جنسیتی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند در مناطقی که اکثریت ساکنان آن بدون وابستگی مذهبی هستند، سطح نابرابری جنسیتی پایین‌تر از جوامعی است که وابستگی مذهبی دارند. همچنین، کشورهایی که مسیحی و بودایی‌اند نسبت به کشورهای مسلمان و هندو از سطح نابرابری جنسیتی پایین‌تری برخوردارند [۲۰].

براساس پژوهش ریتز و همکارانش (۲۰۱۴)، با عنوان «برابری جنسیتی بین اقلیت‌های مذهبی جدید کانادا»، که با تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری کانادا در سال ۲۰۰۱ و پیمایش ۲۰۰۲ تنوع قومی انجام شد، دریافتند نابرابری جنسیتی بین زنان اقلیت‌های مذهبی جدید کانادا (هندوها، سیک‌ها و مسلمانان) در مقایسه با زنان کانادایی اصل بیشتر است. این تفاوت بین گروه‌های مهاجر مسلمان و مسیحی ارتباط کمی با باورهای مذهبی دارند، بلکه نقش فرهنگ‌های بومی کشورهای مبدأ بیش از تعهدات مذهبی است؛ به‌طوری‌که با گذشت زمان و سکونت آن‌ها در کانادا، سطح نابرابری جنسیتی کم می‌شود. همچنین، در هر گروه جایگاه زنان

با آموزه‌های مذهبی مرتبط است، اما لزوماً به این معنا نیست که تعهد به دین عامل نابرابری جنسیتی باشد؛ بلکه نقش فرهنگ‌های بومی بیش از تأثیر آموزه‌های مذهبی است [۲۱].

هداونداول و همکارانش (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر عامل قومیت بر سلامت روان، همسرآزاری، حمایت اجتماعی و رضایت زناشویی زنان» با روش مطالعه علی-مقایسه‌ای بین اقوام لر، ترک، فارس و کرد انجام دادند. آن‌ها دریافتند همسرآزاری جنسی بین اقوام متفاوت است؛ به گونه‌ای که همسرآزاری جنسی بین زنان لر بیشتر از بقیه اقوام بود [۱۸].

بخارایی و یزدخواستی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای: موانع فرهنگی تحقق عدالت جنسیتی» تأثیر سه متغیر مستقل گرایش به ایدئولوژی مردسالاری، فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی و باورهای اعتقاد قالبی بر متغیر وابسته نابرابری جنسیتی را به صورت پانل بررسی کردند. آن‌ها دریافتند بین متغیرهای باورهای اعتقادی قالبی، سطح تحصیلات زنان و درآمد ماهانه خانواده با نابرابری جنسیتی ارتباط قوی وجود دارد. همچنین، دو متغیر مستقل دیگر، یعنی گرایش به ایدئولوژی مردسالاری و جامعه‌پذیری جنسیتی، نیز با نابرابری جنسیتی همبستگی دارند [۳].

رفعت‌جاه و رهبری (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی اکتشافی برداشت از مفهوم زنانگی» با روش کیفی بین زنان متأهل ۱۹-۲۲ ساله در سه گروه قومی (آذری، کردی و مازندرانی) انجام دادند. آن‌ها دریافتند نتایج شاخص‌های زنانگی مشترک در هر سه گروه قومیت تقریباً مشابه و شامل پنج مورد نقش‌های مراقبتی، شخصیت احساس‌محور، رقابت درون جنسی، نقش‌های خانگی و زیبایی ظاهری است. چهار سنخ شناسایی شده زنانگی بین سه گروه قومی کرد و آذری و مازندرانی عبارت‌اند از: منفعل، سنتی، مستقل و فعال. سنخ منفعل در گروه قومی کرد و آذری، سنخ سنتی و مستقل در هر سه گروه قومی کرد و آذری و مازندرانی و سنخ فعال فقط در گروه قومی مازندرانی دیده شده است [۹].

مبانی نظری

مسائل زنان و کاستی‌ها و بایسته‌های آن از مسائل اجتماعی است که همواره به سبب اهمیتش مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. آنچه در تعیین هویت و نقش‌های زنان و مرد و حقوق و تکالیف آن‌ها نقش اساسی دارد تعریفی است که از جنس (زن و مرد) و جنسیت (زنانگی و مردانگی) و خاستگاه تمایزات و تفاوت‌ها از سوی اندیشمندان مکاتب مختلف فکری ارائه شده است. با بررسی مبانی نظری پژوهش، اساساً دو نوع رویکرد به تعریف جنسیت و تفاوت‌های مردانگی و زنانگی ارائه شده است.

الف) رویکرد بیولوژیکی

از دهه ۱۹۷۰ گروهی که به زیست‌شناسان اجتماعی مشهور شدند، به تأثیر ترکیب ژنتیکی در جنبه‌های اجتماعی انسان معتقدند. ویلسون و فاکس از دستورات عمل‌های زیستی متفاوتی سخن

گفتند که در جریان رشد تکاملی انسان‌های نخستین نهاده و سبب شده زنان با فرزندانشان پیوند عاطفی برقرار کنند و نرها به تسلط یافتن بر جنس ضعیف‌تر و در دست داشتن مواضع قدرت گرایش یابند [۱۱، ص ۴۷۱]. آلیس رُسی^۱، از دیگر زیست‌شناسان اجتماعی، معتقد است کارکردهای زیست‌شناختی و تحولات هورمونی متفاوت بین مردان و زنان در الگوهای متفاوت بازی در کودکی، اضطراب زنان در محاسبه و تمایل زنان به مراقبت از کودکان تأثیر می‌گذارد. رُسی توصیه می‌کند که تمهیداتی اجتماعی- فرهنگی تنظیم شود تا نقایص زیست‌شناختی هر جنسیتی از طریق آموزش اجتماعی جبران شود [۱۱، ص ۳۳۷].

تالکوت پارسونز از جامعه‌شناسانی که به نقش بیولوژیکی در تقسیم نقش‌های جنسیتی پرداخته است. پارسونز بر آن است که زنان بنابر نقش بیولوژیکی‌شان در تولید مثل، غریزه‌ای برای پرورش دیگران دارند و این غریزه آن‌ها را برای ایفای نقشی «پراحساس» در خانواده هسته‌ای کاملاً شایسته می‌کند. این نقش «پراحساس» مستلزم توجه و رسیدگی به نیازهای جسمی و روحی همه اعضای خانواده، به‌ویژه فرزندان تحت تکفل، است. بیولوژی مردان نیز آن‌ها را برای ایفای نقش ایزاری در خانواده مناسب می‌کند؛ نقشی که مستلزم تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و پیوند دادن آن با جهان خارج از خانه است [۱۴، ص ۱۷].

(ب) رویکرد اجتماعی

جامعه‌شناسان طرفدار حقوق زنان، از جمله چودورو و دوبوار، واژه‌های جنس^۲ و جنسیت^۳ را برای نشان دادن تمایز میان تفاوت‌های طبیعی و فرهنگی زنانگی و مردانگی به کار گرفتند. این تقسیم‌بندی نشان داد عامل تفاوت و تمایز مرد و زن صرفاً بیولوژیکی و روانی نیست، بلکه جنسیت آفریده اجتماعی و برآیند سنت‌های حاکم جامعه است. برنارد^۴، از جامعه‌شناسان فمینیست در کتاب *آینده زن‌شویی*، به نقش خانواده در نابرابری جنسیتی پرداخته است. به اعتقاد او، زن‌شویی از جنبه نهادی به نقش شوهر اقتدار و آزادی می‌بخشد؛ چندان که او بتواند و ملزم باشد فراتر از محیط خانوادگی جولان دهد، نهاد زن‌شویی فکر اقتدار مردانه را با تصور قابلیت جنسی و نیروی مردانه تقویت می‌کند و از همسران [زنان] می‌خواهد که سازش‌گر، وابسته و توحالی باشند و اساساً به فعالیت‌ها و خرده‌کاری‌های خانه‌داری بپردازند [۱۰، ص ۴۷۵-۴۷۶].

دوبوار^۵، از دیگر فمینیست‌های موج دوم، با تأثیراتی که از سارتر گرفته معتقد است: جهان را می‌توان به شکلی عقلانی درک کرد و به شکلی عقلانی سامان داد. مضمون ثابت و دائمی آثار وی اتکای عاطفی زنان به مردان است که با اصول عقلانی تناسب ندارد [۲، ص ۱۹۵].

هیل کالینز^۶، با ارائه نظریه «تلاقی»، بیان می‌کند که زنان سرکوب را در هیئت‌های مختلف

-
1. Alice.Rossi
 2. Sex
 3. Gender
 4. Jessie Shirley.Bernard
 5. Simone De Beauvoir
 6. Patricia Hill Collins

و با درجات مختلف شدت تجربه می‌کنند. تبیین این تنوع آن است که اگرچه همه زنان بالقوه سرکوب را بر مبنای جنسیت تجربه می‌کنند، نژاد و قومیت، جایگاه جهانی، ترجیح جنسی، سن، وضعیت تأهل و سلیقه احساسی به منزله ناقلان سرکوب یا «ماتریکس سلطه» نظام نابرابری را شکل می‌دهد [۱۱، ص ۳۶۳].

قومیت، به منزله یکی از عناصر فرهنگی، تا اوایل قرن بیستم کمتر مورد استفاده اندیشمندان علوم اجتماعی قرار می‌گرفت. واژه قومیت ابتدا مفهومی مذهبی داشت و به گروه‌های غیرمسیحی که به مسیحیت نگرویده بودند اطلاق می‌شد. پس از مدتی، قومیت مفهوم نژادی و زبانی به خود گرفت و حال این واژه تحولی دیگر یافته و معنای فرهنگی دارد [۶، ص ۴۸۶]. گیدنز معتقد است برای تشخیص گروه‌های قومی از یکدیگر از ویژگی‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد، اما معمول‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: زبان، تاریخ یا تبار (حقیقی یا خیالی)، مذهب و شیوه لباس پوشیدن و آرایش [۱۵، ص ۲۷۸].

بر اساس مطالب بیان شده، مقابله با نابرابری و تبعیض‌های جنسیتی همواره از دغدغه‌های جامعه‌شناسان و عدالت‌طلبان اجتماعی بوده است، اما هریک از آن‌ها در مطالعه این پدیده و مسائل مرتبط با آن از چشم‌انداز و طرح‌واره‌های ذهنیتی خودشان به آن پرداخته‌اند. بنابراین، برای شناخت عمیق و جامع «ادراک عدالت جنسیتی»، به‌عنوان پدیده و نمود اجتماعی ضروری است از چشم‌انداز اقوام ترک، کرد و گیلک، که هریک پیش‌فرض‌های فرهنگی و اشتراکات تاریخی متفاوتی دارند، این پدیده مهم اجتماعی مطالعه شود.

روش پژوهش

در این پژوهش، برای شناخت عمیق پدیده عدالت جنسیتی و شناسایی مقوله‌ها و عوامل تعیین‌کننده آن از روش‌شناسی کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای بر اساس دیدگاه استراوس و کوربین، که شیوه رایج در روش زمینه‌ای است، استفاده شد؛ به طوری که مصاحبه‌های ضبط‌شده به متن نوشتاری تبدیل و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا فرایند کدگذاری انجام شد. در اولین مرحله (کدگذاری باز)، معرف‌های اولیه شناسایی شدند. در دومین مرحله (کدگذاری محوری)، بر اساس ویژگی هریک از معرف‌ها در جهت تنظیم مدل مفهومی پژوهش، حول چهار مقوله عمده تقلیل یافتند و در سومین مرحله (کدگذاری انتخابی)، مقوله‌ها برای تنظیم نظریه و مدل پژوهش حول مقوله هسته‌ای (ادراک عدالت جنسیتی) پالایش و یکپارچه شدند. شیوه گردآوری داده‌ها با تکنیک مصاحبه پاتن^۱ انجام گرفت. از آنجا که در روش نظریه زمینه‌ای روش نمونه‌گیری هدفمند است، تعداد افراد نمونه با معیار اشباع نظری تعیین می‌شود. در نتیجه، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع «حداکثر اختلاف» استفاده شد. با

۱. پاتن سه نوع مصاحبه را از هم تفکیک می‌کند: مصاحبه مکالمه‌های غیررسمی، رهیافت راهنمایی مصاحبه عمومی و مصاحبه باز استاندارد شده [۱۶، ص ۱۵۳].

توجه به اهمیت متغیرهایی چون زبان، مذهب، جنسیت، محل سکونت و سطح تحصیلات، از هر قوم شهرها و روستاهایی انتخاب شد که حداکثر تنوع در متغیرهای بیان شده را داشته باشند که در جدول ۱ ویژگی‌های ۱۹ نفر از افرادی که با آن‌ها مصاحبه شده آورده می‌شود. برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش، از روش کنترل یا اعتباریابی از سوی اعضا استفاده شد؛ یعنی بعد از کدگذاری، متن مصاحبه به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد تا از صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شد. کدهایی که از نظر شرکت‌کنندگان بیانگر دیدگاه آنان نبود اصلاح شد.

جدول ۱. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه	تولدت	جنسیت	مذهب	شهر	مدت مصاحبه	تحصیلات	شغل پاسخ‌گو	شغل همسر	سن	نوع سکونت
۱	گیلک	زن	شیعه	هشت پر	۲۵ دقیقه	دیپلم	ارایشگر	معلم	۳۹	شهر
۲	گیلک	زن	شیعه	رشت	۳۰ دقیقه	فوق لیسانس	بیکار	مطلقه	۴۵	شهر
۳	گیلک	زن	تسنن	هشت پر	۳۰ دقیقه	لیسانس	کارمند	معلم	۴۳	شهر
۴	گیلک	مرد	شیعه	لاهیجان	۴۰ دقیقه	فوق لیسانس	کارمند	معلم	۴۹	شهر
۵	گیلک	زن	شیعه	رشت	۲۵ دقیقه	هشتم	خانه‌دار	کله‌پز	۴۷	شهر
۶	گیلک	زن	شیعه	رشت	۲۵ دقیقه	لیسانس	معلم	کارمند	۴۱	شهر
۷	کرد	زن	شیعه	بیجار	۶۰ دقیقه	لیسانس	آموزشیار	پارچه‌فروش	۲۷	روستا
۸	کرد	زن	شیعه	بیجار	۴۰ دقیقه	لیسانس	کارمند	بازاری	۳۲	شهر
۹	کرد	مرد	تسنن	بیجار	۷۰ دقیقه	لیسانس	راننده	خانه‌دار	۳۸	شهر
۱۰	کرد	مرد	تسنن	بیجار	۳۵ دقیقه	لیسانس	معلم	خانه‌دار	۴۲	شهر
۱۱	کرد	مرد	تسنن	سنندج	۶۰ دقیقه	لیسانس	کارمند	خانه‌دار	۴۸	شهر
۱۲	ترک	زن	شیعه	خلخال	۳۰ دقیقه	بی‌سواد	خانه‌دار	کشاورز	۶۱	روستا
۱۳	ترک	مرد	شیعه	خلخال	۴۰ دقیقه	فوق لیسانس	معلم	معلم	۴۷	شهر
۱۴	ترک	زن	شیعه	خلخال	۷۰ دقیقه	پنجم	خانه‌دار	دامدار	۳۹	روستا
۱۵	ترک	زن	شیعه	پارس‌آباد	۳۰ دقیقه	فوق لیسانس	خانه‌دار	راننده	۳۰	شهر
۱۶	ترک	زن	تسنن	اردبیل	۵۵ دقیقه	بی‌سواد	خانه‌دار	فوت‌کرده	۶۷	روستا
۱۷	ترک	مرد	شیعه	خلخال	۲۰ دقیقه	فوق دیپلم	معلم	معلم	۵۱	شهر
۱۸	ترک	زن	شیعه	اردبیل	۷۰ دقیقه	فوق لیسانس	پرستار	کارمند	۴۰	شهر
۱۹	ترک	زن	تسنن	خلخال	۷۰ دقیقه	پنجم	خانه‌دار	کشاورز	۶۳	روستا
کل مدت مصاحبه ۸۳۵ دقیقه										

یافته‌های پژوهش

برداشت اقوام سه گانه (ترک، کرد و گیلک) از عدالت جنسیتی

زبان بازتتاب باورها، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه است. دلالت هر واژه به مدلولش نشان‌دهنده نوع نگرش افراد آن جامعه به مدلول مورد نظر است. با توجه به نظریه پارسونز، ویلسون، فاکس و رُسی، که تقسیم نقش‌های جنسیتی را با رویکرد بیولوژیکی تحلیل می‌کردند، در برداشت‌های هر سه قومیت زبانی (ترک، کرد و گیلک)، مصاحبه‌شوندگان نقش اولیه زن را فرزندآوری و تربیت فرزند بیان کردند.

واژه‌ای که در زبان (کردی و گیلکی)، نقش بیولوژیکی و طبیعی «زن» در آفرینندگی و زادن را تداعی می‌کند واژه «ژن» است. در هر دو زبان، به جنس زن «ژن» اطلاق می‌شود که نشان می‌دهد نسل و صفات نسلی به‌واسطه زن تولید و انتقال می‌یابد. واژه دیگری که در زبان ترکی و کردی تداعی‌گر نقش آفرینندگی و زندگی است «آفرت» در زبان کردی و «آرواد» در زبان ترکی است. در زبان کردی، «آفرت» به دختر جوانی گفته می‌شود که توانایی فرزندآوری دارد و در زبان ترکی به زن دارای فرزند اطلاق می‌شود. در نتیجه، این دو واژه با واژه «آفرودیته»^۱ یونانی قرابت معنایی دارد. آفرودیته را یونانیان در سیمای یک بانوی زیبا به‌صورت برهنه یا نیمه‌برهنه در حالت‌های مختلف مثلاً در حال بیرون آمدن از امواج تصویر می‌کردند [۱۳، ص ۷۹]. البته امروزه مخاطب قرار دادن زنان در هر دو قومیت زبانی کرد و ترک با واژگان (آفرت و آرواد) نوعی بی‌حرمتی و بی‌احترامی قلمداد می‌شود. دلیل اینکه چرا زنان را امروزه نباید با این واژگان خطاب کرد این است که زنان دریافته‌اند نقش آن‌ها فقط در فرزندآوری و تربیت فرزند خلاصه نمی‌شود.

امجد ۴۸ ساله، کرد و سنی‌مذهب می‌گوید:

در زمان‌های گذشته، به زن در زبان کردی «آفرت» می‌گفتن... الان اگه زن با واژه «آفرت» مخاطب قرار بگیره، نوعی توهین تلقی می‌شه، چون زنان سنندجی علاوه بر نقش خانه‌داری و بچه‌داری در ادارات، دانشگاه، مساجد، بازار و... حضور فعال دارن.

با بررسی محتوای مصاحبه‌ها، نقش‌های جنسیتی در دو حوزه عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود. برداشت مصاحبه‌شوندگان طوری است که خانه‌داری و بچه‌داری را کار زنانه و نان‌آوری و حضور در عرصه عمومی و صحنه‌های اجتماعی را مختص مردان می‌دانند. الهام ۳۲ ساله، کرد و شیعه‌مذهب می‌گوید:

... در جامعه نیز اخلاق مردسالاری حاکمه. وقتی در جمعی که مردان و زنان حضور دارن اول غذای مردان رو می‌دن، یا در مهمونی‌ها اگر اتاق‌ها و تالارها رو درجه‌بندی کنیم، مردان در اتاق‌های بزرگ‌تر و روشن‌تر و خانم‌ها در اتاق‌های تنگ‌تر و تاریک‌تر پذیرایی می‌شن. در خیابون اگر راننده زن باشه، یه کم تعلل کنه، می‌بینی بوق‌های الکی می‌زنن یا داخل ماشین رو می‌پان.

در ادارات، دانشگاه و بانک‌ها نیز هرچند تعدادی از کارمندان خانم هستند، به جزء یکی دوتا اداره، رئیس‌ها مردن.

مریم ۳۹ ساله، گیلک و سنی مذهب می‌گوید:

امورات خانه از جمله مراقبت از فرزندان و پخت‌وپز و... رو به‌تنهایی انجام می‌دم.

البته در برداشت از عدالت جنسیتی، بین اقوام ترک، کرد و گیلک تغییراتی مهم در حال رخ‌دادن است. هژمونی مردسالارانه و اختصاص حریم خانه به زن نسبت به گذشته، به‌ویژه در شهرها، دچار واژگونی شده است و این نوع نگرش که خانه‌داری مختص زنان و مشاغل مردی مختص مردان باشد تغییر کرده است:

محمد ۴۹ ساله، گیلک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

من در همه کارهای خونه از جمله تروخشک بچه‌ها، مراقبت از اون‌ها، پخت‌وپز، شست‌وشوی ظروف و... به همسر کمک می‌کنم.

سهیلا ۴۰ ساله، ترک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

پرستار هستیم. در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای حضور در باشگاه ورزشی (والیبال)، جلسات قرآنی، آزادی کامل دارم. رانندگی می‌کنم، دو جلد کتاب چاپ‌شده دارم.

وحید ۴۷ ساله، ترک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

توی خونه من آشپزی می‌کنم و بچه‌ها آشپزی من رو بیشتر از مادرشون می‌پسندن.

مطابق نظریه برنارد، ازدواج نهادی به نقش شوهر اقتدار و آزادی می‌بخشد، چندان‌که او بتواند و ملزم باشد فراتر از محیط خانوادگی جولان دهد و از همسران [زنان] می‌خواهد که سازش‌گر، وابسته و توخالی باشند و اساساً به فعالیت‌ها و خرده‌کاری‌های خانه‌داری بپردازند [۱۰، ص ۴۷۶]. در برداشت‌های مصاحبه‌شوندگان نیز ملاحظه می‌شود. حمیرا ۴۵ ساله، گیلک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

ازدواج به نظر من جنگ برای رسیدن به موقعیت برتره. ازدواج معامله‌ایه که نیازهای اقتصادی و عاطفی طرفین رفع می‌شه.

در برداشت مشارکت‌کنندگان، ازدواج سبب می‌شود قدرت انتخاب و آزادی عمل با اتکای عاطفی مادر به فرزند کمتر شود و آن‌ها را مطیع و مطیع شوهر قرار می‌دهد. لذا این نقش بیولوژیکی و مادرانه، او را وارد قفسی خودساخته می‌کند که سال‌ها در آن زندگی می‌کند. این سازگاری اجباری تداعی‌کننده خشونت نمادین بورديو است.

نسترن ۳۰ ساله، ترک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

ده سال از ازدواج‌مون می‌گذره، هرگز تفاهم با همدیگه نداشتیم. به خاطر دخترم زیر یه سقف زندگی می‌کنیم.

هاجر ۲۷ ساله، کرد و شیعه‌مذهب می‌گوید:

توی روستا بعضی از مردها معتادان یا اخلاق درست و حسابی ندارن، اما همسراشون به خاطر فرزنداشون زندگی رو تحمل می‌کنن.

همسو با نظریه جامعه‌شناسانی که ریشه نابرابری و تبعیض جنسیتی را در جریان جامعه‌پذیری جست‌وجو می‌کنند، این نوع برداشت را از محتوای برخی از مصاحبه‌ها می‌توان کشف کرد. برداشتی که به زنان حق حضور در عرصه عمومی، حق تحصیل و فرصت اشتغال در بیرون از خانه را می‌دهد. در این نوع ادراک، هژمونی مردسالاری واژگون و انصاف در دسترسی به منابع ثروت و منزلت بین زنان و مردان تجویز می‌شود. در این پژوهش، این نوع ادراک عدالت جنسیتی مدرن نامیده می‌شود.

شافع ۴۳ساله، گیلک و سنی‌مذهب می‌گوید:

همسر من موقعی که ازدواج کردیم فوق دیپلم بود و الان فوق لیسانس داره. اگر سفر کاری و اداری داشته باشه، می‌تونه تنهایی یا با همکاراش مأموریت بره.

وحید ۴۷ساله، ترک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

همسرم قبل ازدواج مدرک دیپلم داشت و آموزشیار نهضت بود. بعد لیسانس گرفت و حالا پرستاره. خیلی وقت‌ها برای مأموریت کاری به شهرستان‌های دیگه می‌ره و چون رانندگی بلده، اغلب اوقات خودش به مرکز استان می‌ره.

یکی دیگه از مضامینی که تفاوت برداشت عدالت جنسیتی اقوام را نشان می‌دهد، پسرزا یا دخترزا بودن زنان است که قدرت و جایگاه زن را در نهاد خانواده تعیین می‌کند. براساس باورهای اجتماعی و فرهنگی مشارکت‌کنندگان، دختر مددکار مادر در کارهای خانه‌داری و پسر یاور پدر در کارهای بیرون از خانه است، پسر هویت‌بخش خانواده است که با وجود او «اجاق خانواده کور» نمی‌شود. پسرزاد بودن مادر حتی در بهبود جایگاه و شأن او مؤثر است. هاجر ۲۷ساله، کرد و شیعه‌مذهب می‌گوید:

پسردار شدن شأن و ابهت مادرش رو بالا می‌بره، چون خانواده شوهر خیال می‌کنن که هویت خانواده رو پیشونی پسر و اجاقشون کور نمی‌شه...

گلستان ۶۱ساله، ترک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

پسر نسبت به دختر جایگاهش بالاست. به طوری که بغل عروس پسرپچه می‌دن تا اولین بچه‌ش پسر باشه، یا وقتی برای تشکر از کسی می‌خوان دعا کنن، می‌گن خدا پسرت رو نگه داره. یا وقتی عروس رو از خونه پدرش به خونه داماد می‌برن، باید پسر در رو باز کنه بدرقه‌ش کنه تا عروس پسرزا بشه.

خلاصه اینکه بین اقوام زبانی (ترک، کرد و گیلک) برداشت از عدالت جنسیتی متفاوت است؛ به طوری که برداشت از عدالت جنسیتی بین قوم گیلک بیش از اقوام کرد و ترک دست‌خوش بازتعریف از سنتی به مدرن شده است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد در بازتعریف عدالت جنسیتی از سنتی به مدرن، عوامل درون‌قومی مؤثرند که عبارت‌اند: سطح تحصیلات

بالا، مجردبودن، سن پایین، شهرنشینی، خانواده هسته‌ای، داشتن درآمد مستقل و دوری از مرز. همچنین، با بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده، بازتعریف عدالت جنسیتی از سنتی به مدرن براساس قومیت مذهبی (شیعه و سنی) تفاوتی مشاهده نشد که نشان می‌دهد آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی نسبت به آموزه‌های مذهبی نقش بیشتری در تغییرات برداشت از عدالت جنسیتی دارد.

مقوله‌های اکتشافی در بازتعریف ادراک عدالت جنسیتی

بعد از انجام‌دادن مصاحبه و گردآوری داده‌های کیفی برای تحلیل داده‌ها، از روش کدگذاری استراوسو کوربین استفاده شد که عبارت‌اند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. «کدگذاری باز» فرایندی است برای شناسایی ویژگی‌ها، معرف‌ها و مشخصات مقوله‌ها که در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا تعداد ۳۷۹ معرف شناسایی و تولید شد. در دومین مرحله «کدگذاری محوری»، معرف‌های شناسایی‌شده، با توجه به خصوصیاتشان، به ۳۹ مقوله فرعی و زیرمقوله طبقه‌بندی شد. در سومین مرحله (کدگذاری انتخابی)، مقوله‌ها در جهت تنظیم مدل مفهومی پژوهش حول چهار مقوله (ادراک عدالت مناسکی، ادراک عدالت در آزادی عمل، ادراک عدالت مبادله‌ای و ادراک عدالت در توانمندی) تقلیل یافتند و سپس این چهار مقوله اصلی به‌وسیله یک مفهوم هسته‌ای (ادراک عدالت جنسیتی) یکپارچه شدند.

مقوله ادراک عدالت مناسکی

برای استخراج این مقوله، تعداد ۱۴۵ معرف در کدگذاری باز شناسایی و در مرحله کدگذاری محوری با در نظر گرفتن بستر و مضمون هریک از معرف‌ها در ۱۱ مقوله فرعی و زیرمقوله طبقه‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله‌های فرعی و زیرمقوله‌ها با عنوان مقوله هسته‌ای «ادراک عدالت مناسکی» یکپارچه شدند. با توجه به ویژگی و معنای مقوله‌های فرعی و زیرمقوله‌ها (نوع تعامل زن و شوهر، جایگاه فرزند، تعامل در خانواده گسترده و ایدئولوژی مردسالاری)، این بعد از ادراک عدالت جنسیتی، که با تخیل جامعه‌شناختی از معرف‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج شد، درواقع نشان می‌دهد که اقوام چقدر در تعاملات اجتماعی‌شان با زنان و مردان در خانه یا بیرون از خانه الگوها و فرهنگ‌های سنتی را دخالت می‌دهند؛ الگوهایی که نشان‌دهنده برداشت‌های سنتی از روابط و نقش‌آفرینی زنان و مردان است. هرچه کنشگران این نوع رفتارها و عملکردها را در زندگی‌شان بیشتر دخالت دهند، میزان ادراک عدالت مناسکی کمتر خواهد بود. بر این اساس، می‌توان گفت: ادراک عدالت مناسکی رعایت اصل انصاف در تعاملات اجتماعی زنان و مردان و حذف هرگونه پیش‌داوری در روابط بین دو جنس زن و مرد است.

گلستان ۶۱ ساله و ترک می گوید:

سر سفره اگر با پدرشوه می نشستم، حتماً موقع غذا خوردن بایستی جلو دهنم رو با روسری می گرفتم (که هنوز هم اصطلاح یا شماخ بین ترکها مصطلح است).

هاجر ۲۷ ساله و کرد می گوید:

من حسرت به دل موندم که پدرم اسم من رو پیش پدر بزرگم صدا بزنه. این نوعی بی حرمتی به بزرگ تر قلمداد می شد.

جدول ۲. مقوله اصلی ادراک عدالت مناسکی، مقوله های فرعی، زیر مقوله ها و نمونه ای از گزاره های معنادار

مقوله اصلی	مقوله فرعی زیر مقوله ها	نمونه ای از گزاره های معنادار
تعامل زن و شوهر	توأم با مفاهمه	توجه به همسر و احترام به او، پرهیز از انواع خشونت، داشتن شور در زندگی زناشویی
	عدم تفاهم	ازدواج به مثابه نبرد، برداشت از زن به مثابه کالا، شوهر یعنی نوکر
جایگاه فرزند	ارزش گذاری به دختر	آرزوی داشتن دختر، برقراری شرط ضمن عقد مکانی، دختر نور چشم خانواده
	ارزش گذاری به پسر	ارتقای شأن و ابهت مادر با پسرزایی، دعای همیشگی برای حفظ جان پسر
ادراک عدالت مناسکی	ارزش گذاری به هر دو جنس	اعمال رفتارهای عادلانه بین دختر و پسر، رفع نیازمندی های دختر و پسر بدون توجه به جنس آنها
	مفاهمه با بزرگ تر خانواده	احساس راحتی با مادرزن و پدرزن، عروس به مثابه دختر خانواده
نوع تعامل در خانواده گسترده	عدم تفاهم با بزرگ تر خانواده	مادر شوهر به مثابه فرمانده خانواده، سن تعیین کننده جایگاه فرد در خانواده
	ایدئولوژی مردسالاری	سند ازدواج به مثابه سند کتک و خشونت علیه زن، هویت خانواده روی پیشانی پسر، بند سفید لباس عروس مانند بند زندانی

منبع: یافته های کدگذاری خروجی مکس کیودا

مقوله ادراک عدالت در توانمندی

مقوله دیگری که از تحلیل مصاحبه‌ها به‌عنوان یکی از مقوله‌های اصلی مفهوم عدالت جنسیتی استنباط شد، «ادراک عدالت در توانمندی» است. عدالت در توانمندی افراد جامعه از آن حیث اهمیت دارد که توزیع منصفانه منابع سبب شکوفایی یکسان استعدادها، افزایش مهارت‌های روزمره زندگی می‌شود تا همه افراد در شرایط یکسان بتوانند در عرصه عمومی مؤثر ظاهر شوند. با تحلیل روایت‌ها، تعداد ۵۵ معرف در کدگذاری بازشناسایی و با توجه به معنا و زمینه هر یک از آن‌ها در پنج مقوله فرعی دسته‌بندی شدند. در سومین مرحله کدگذاری، همه مقوله‌های فرعی با عنوان مقوله «ادراک عدالت در توانمندی» یکپارچه شدند. با ملاحظه معنا و مضمون مقوله‌های فرعی (سطح تحصیلات، آشنایی از حقوق خود، توانمندی در ورزش، کسب مهارت فنی- حرفه‌ای، داشتن مهارت رانندگی)، منظور از عدالت در توانمندی عبارت است از ایجاد فرصت برابر برای توانمندی زنان و مردان جهت به‌کارگیری مهارت‌های مختلف زندگی. از نظر پاسخ‌گویان، پیامد مهم عدالت در توانمندی این است که زنان در صورت توانمندشدن نیاز به تکیه‌گاه نخواهند داشت و ویژگی شکنندگی‌شان، که همواره در جریان اجتماعی‌شدن به او القا شده، جبران خواهد شد.

ناصر ۳۸ساله و کرد می‌گوید:

سطح تحصیلات پایین سبب شده توانمندی اون‌ها [زنان] در کارهایی چون رانندگی کم باشه و فرصت اشتغال در بیرون خانه رو نداشته باشن.

یلدا ۴۱ساله و گیلک می‌گوید:

درخصوص شرکت در کلاس‌های ضمن خدمت، انجمن اولیا و مربیان و... تا حد امکان کمکم می‌کنن که بتونم حضور پیدا کنم. به‌طوری‌که الان دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی هستم.

جدول ۳. مقوله اصلی عدالت در توانمندی، مقوله‌های فرعی، زیرمقوله‌ها و نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار

مقوله اصلی	مقوله فرعی	نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار
ادراک عدالت در توانمندی	سطح تحصیلات	امکان ادامه تحصیل دختران، ارزشمندبودن مدرک برای دختران، دانشجوی بودن به‌مثابه تعیین جایگاه والا
	آشنایی از حقوق خود	مردانگی یعنی اعمال خشونت، قدرت یعنی توان «نه گفتن»، معرفت و شعور عنصری از قدرت
توانمندی	توانمندی در ورزش	حضور آزادانه در باشگاه ایروبیک، شنا و پیاده‌روی با دوستان
	کسب مهارت فنی، حرفه‌ای	داشتن مهارت خیاطی، آرایشگری، بافندگی و گواهی‌نامه ICDL
	داشتن مهارت رانندگی	داشتن گواهی‌نامه رانندگی، رانندگی در سطح شهر و جاده

منبع: یافته‌های کدگذاری خروجی مکس کیودا

مقوله ادراک عدالت مبادله‌ای

برای کشف مقوله ادراک عدالت مبادله‌ای با تحلیل روایت‌ها، تعداد ۵۲ معرف در کدگذاری باز شناسایی و با توجه به معنا و زمینه هریک از آن‌ها در ۹ مقوله فرعی و زیرمقوله دسته‌بندی شدند. در سومین مرحله کدگذاری، همه مقوله‌های فرعی و زیرمقوله‌ها با عنوان مقوله «ادراک عدالت مبادله‌ای» یکپارچه شدند. با در نظر گرفتن معنا و مضمون مقوله‌های فرعی (داشتن فرصت شغلی، برخورداری از بیمه و سلامت، مالکیت بر اموال، شیوه تقسیم کار بین زنان و مردان)، منظور از عدالت مبادله‌ای عبارت است از دسترسی منصفانه به هرگونه مشاغل با لحاظ کردن تفاوت‌های بیولوژیکی و روانی زنان و مردان در چارچوب مقررات اجتماعی و مالکیت عادلانه افراد به دسترنج خود یا قانوناً آنچه متعلق به اوست.

سارا ۳۹ساله و ترک می‌گوید:

به لحاظ ملک و دارایی و حساب شخصی، فقط قطعه زمینی که پدرم به من به‌عنوان ارث داده به نام منه. هرچند اجازه فروش و دخل و تصرف اون رو ندارم.

هاجر ۲۷ساله و کرد می‌گوید:

ده پونزده سال پیش به خانم‌ها ارث نمی‌دادن، چون می‌گفتن دختر سهمش رو با جهیزیه‌ش برده.

جدول ۴. مقوله اصلی ادراک عدالت مبادله‌ای، مقوله‌های فرعی، زیرمقوله‌ها و نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار

مقوله اصلی	مقوله فرعی	زیرمقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار
ادراک عدالت مبادله‌ای	فرصت شغلی	اموال منقول	خرسندی از داشتن شغل، اشتغال در محیط مختلط
	بیمه و سلامت	اموال غیرمنقول	داشتن بیمه درمانی، بیمه تکمیلی و دسترسی به بیمارستان
ادراک عدالت مبادله‌ای	مالکیت	پس‌انداز از درآمد خانواده	ثبت سند ماشین و دارایی‌های خانواده به نام زن ثبت خانه و ملک به نام زن و برخورداری زنان از ارث
	شیوه تقسیم کار	اشتغال بیرون خانه	داشتن حساب شخصی و امکان پس‌انداز
ادراک عدالت مبادله‌ای	مشارکت در کارخانه	کار خانگی	اشتغال زنان در شرکت‌ها، ادارات، آرایشگاه و... کار در خانه و باغچه نزدیک خانه، مراقبت از فرزندان و خانه‌داری
		مشارکت در کارخانه	مشارکت مردان در خانه‌داری و مراقبت از فرزندان و سالمندان

منبع: یافته‌های کدگذاری خروجی مکس کیودآ

مقوله عدالت در آزادی عمل

برای استخراج این مقوله، تعداد ۱۲۷ معرف در کدگذاری باز شناسایی و در مرحله کدگذاری محوری با در نظر گرفتن بستر و مضمون هریک از معرف‌ها در ۱۱ مقوله فرعی و زیرمقوله طبقه‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله‌های فرعی و زیرمقوله‌ها با عنوان مقوله هسته‌ای «ادراک عدالت در آزادی عمل» یکپارچه شدند. با توجه به ویژگی و معنای مقوله‌های فرعی و زیرمقوله‌ها (آزادی در تصرف اموال، آزادی در خرید و فروش، آزادی در انتخاب دوست، آزادی در انتخاب همسر، انتخاب محل سکونت، استفاده از اوقات فراغت، انتخاب و شرکت در گروه‌ها، آزادی عمل در پوشش و آرایش)، منظور از عدالت در آزادی عمل عبارت است از: قدرت برابر افراد در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های روزمره، فارغ از جنسیتشان.

با لحاظ روایت شرکت‌کنندگان، هریک از آن‌ها تفسیرهای متفاوتی از مقوله ادراک عدالت در آزادی عمل داشتند. بعضی از آن‌ها به‌شدت آزادی عمل زنان را در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های روزمره زندگی محدود و برخی نیز قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها را امری عادی و بدون ملاحظات جنسی تفسیر کردند:

ناصر ۳۸ ساله و کرد می‌گوید:

به‌طور کلی کردها غیرتی‌ان. ضرب‌المثلی بین ماست که می‌گن اسب، شمشیر و زن ناموس کردهاس. ما اجازه نمی‌دیم همسر و دخترامون بی‌اجازه شوهر و پدرش از خونه خارج شن.

سارا ۳۹ ساله و ترک می‌گوید:

من با پسرخاله‌م ازدواج کردم. بنا به رسم قدیمی، چون برادرم با خواهرشوهرم ازدواج کرده بود، می‌بایست از خانواده ما هم یک دختر با خانواده اون‌ها ازدواج می‌کرد که اصطلاحاً به این نوع ازدواج در زبان ترکی «قزباقز» می‌گن.

جدول ۵ مقوله اصلی عدالت در آزادی عمل، مقوله‌های فرعی، زیرمقوله‌ها و نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار

مقوله اصلی	مقوله فرعی	زیرمقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار
		آزادی در تصرف اموال	آزادی عمل در کمک به نیازمندان، توان تصمیم‌گیری در خرید خانه
		آزادی در خرید و فروش	آزادی عمل در خرید مایحتاج خانه، فروش بدون اجازه مایملک
ادراک عدالت در آزادی عمل	آزادی در انتخاب دوست	آزادی در انتخاب همسر	آزادی عمل در انتخاب دوستان، همراهی با آن‌ها در هر موقع از شبانه‌روز
		انتخاب محل سکونت	آزادی عمل در شناخت کافی از همسر، تحمیل ازدواج
	استفاده از اوقات فراغت	رفت و آمدهای روزانه	زندگی در خانه پدرشوهر، آزادی عمل در مهاجرت
		آزادی عمل در سفر	آزادی در رفت و آمد برای خرید، رفت و آمد به پارک و سینما
			آزادی در سفر برون‌شهری، خارج از کشور

مقوله اصلی	مقوله فرعی	زیرمقوله‌ها	نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار
		رفت‌وآمد به خانه اقوام	آزادی عمل در دید و بازدید عید، رفت‌وآمد به خانه پدر و اقوام،
		شرکت در گروه‌های اجتماعی	شرکت آزادانه در هیئت‌ها، انجمن‌ها و مجالس اولیا و مربیان
انتخاب گروه‌ها		شرکت در همایش‌ها	شرکت در کلاس‌های ضمن خدمت، همایش‌ها و داشتن سفر کاری
		شرکت در جمع دوستان	رفتن به کوهنوردی و شنا با دوستان به صورت مجردی
		آزادی در پوشش و آرایش	مقید به پوشش سنتی و محلی، انتخاب لباس با نظر دیگران

منبع: یافته‌های کدگذاری خروجی مکس کیودا

شرایط پدیدآیی عدالت جنسیتی

فهم، که معادل understanding لاتین است، در صورتی ابزار شناخت دقیق پدیده‌های اجتماعی است که از موقعیت مناسب (stand) به پدیده توجه شود. به همین دلیل، در پارادایم تعریف اجتماعی، ذهنیت مقدم بر عینیت است. به قول عطار، «هرچه در فهم تو آید آن بود مفهوم تو». در نتیجه، نظریه آمیزش افق‌های گادامر، دازاین هایدگر، دوکسا بوردیو، اجماع هابرماس و پیش‌فرض شوتز بر این مبنا ارائه شده است. بوردیو از نظریه‌پردازانی است که در تحلیل نابرابری‌های اجتماعی به دیالکتیک عوامل ساختاری و عاملیت پرداخته است. از نظر بوردیو، موقعیت اجتماعی فرد به وسیله منابع و قابلیت‌های در اختیار او در میدان تعیین می‌شود که شکل‌های آن عبارت‌اند از: ۱. سرمایه فرهنگی، ۲. سرمایه اجتماعی، ۳. سرمایه اقتصادی و ۴. سرمایه نمادین. بوردیو ذائقه افراد را حاصل تعامل عادت‌واره با زمینه می‌داند. فرد از طریق ذائقه جایگاه خود را در نظام اجتماعی درک می‌کند و خود را در گروه‌های منزلتی تشخیص می‌دهد. با طبقه‌بندی و تحلیل مصاحبه‌ها مقوله‌هایی که در تعریف و شکل‌دهی به عدالت جنسیتی شناسایی و به پیروی از بوردیو با عنوان چهار نوع سرمایه نام‌گذاری شدند عبارت‌اند از: ۱. سرمایه فرهنگی، ۲. سرمایه اجتماعی، ۳. سرمایه اقتصادی و ۴. سرمایه نمادین. علاوه بر این، چهار نوع عامل، مقوله‌های دیگری نیز از مصاحبه‌ها استخراج شد که به نام سرمایه عاطفی و تفکر قالبی نام‌گذاری شد که به هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

سرمایه فرهنگی

بوردیو در نظریه «تمایز»، به نقش سرمایه فرهنگی در تعیین منزلت اجتماعی فرد می‌پردازد که فرد می‌تواند قدرت و اقتدار خود را بر دیگران تحمیل کند [۱۹، ص ۵۷]. با تحلیل مصاحبه‌ها

مشخص شد که سرمایه فرهنگی از مقوله‌هایی است که در برساخت عدالت جنسیتی نقش اساسی دارد. مصاحبه‌شوندگان بروز ادراک عدالت جنسیتی را در برخورداری فرد از تحصیلات دانشگاهی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای بیان کردند. آن‌ها اظهار داشتند داشتن سرمایه فرهنگی، نوع برخورد اعضای خانواده با جنس زن و فرصت حضور در شرکت‌ها و ادارات را فراهم می‌کند و چون فرد از این طریق به سرمایه اقتصادی نیز دست می‌یابد، با ترکیب این دو نوع سرمایه زنان توقع دارند با آن‌ها عادلانه رفتار شود و در صورت احساس ناعدالتی، به دلیل آگاهی از حقوق خود، به مقاومت در برابر تبعیض می‌پردازد.

سهبیلا ترک، شیعه‌مذهب، فوق لیسانس و پرستار می‌گوید:

اینکه در بعضی از خانواده‌ها زن نمی‌تواند از حقوق خودش دفاع کند، چون ضعف آگاهی و توانایی در «نه‌گفتن» دارد.

ناصر کرد، سنی‌مذهب و لیسانس می‌گوید:

سطح تحصیل پایین سبب شده آزادی عمل زنان در افزایش توانمندی در کارهایی چون رانندگی و ادامه تحصیل پایین بیاد و اون‌ها فرصت اشتغال در بیرون از خانه رو نداشته باشن.

سرمایه اجتماعی

از نظر بودیو، یکی دیگر از سرمایه‌هایی که می‌تواند با استفاده از شبکه ارتباطی و نهادینه‌شدن تعهدات و اعتماد اجتماعی قدرت شخص را تعیین کند سرمایه اجتماعی^۱ است. سرمایه اجتماعی ابزاری است که نگرش‌ها و برداشت‌های ذهنی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جامعه و نهاد خانواده، براساس نظریه «امنیت هستی‌شناسی» گیدنز، وجود اعتماد و تعهد متقابل بین زن و شوهر تعاملات درون‌گروهی خانواده و انسجام و همبستگی آن را گسترش می‌دهد و از طرفی با عضویت فرد در هر گروه و انجمنی سرمایه اجتماعی ارتقا می‌یابد، برداشت‌های تبعیض‌آمیز و قهری حذف و نگرش به رفتارهای عادلانه بیشتر می‌شود. این نوع سرمایه در بیان بیشتر مصاحبه‌شوندگان برای ایجاد شرایط و پیدایش عدالت جنسیتی آمده است.

کبری ۶۳ساله، ترک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

در محیط بسته روستا که مردم ارتباطی با سایر جاها نداشتن، چون پدر جبار همیشه زنش رو کتک می‌زد، جبار هم فکر می‌کرد که رویه همینه و باید زن رو کتک زد.

حمیرا ۴۵ساله، گیلک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

دوست داشتن رو با احترام، اعتماد، هدیه‌دادن و خوشحال کردن هم می‌شد نشون داد... زن‌ها همیشه از بی‌اعتمادی در عذابان.

محمد ۴۹ساله، گیلک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

احترام و اعتماد به همسر رو از پدرم یاد گرفتم. پدرم می‌گفت: «زن خوب مرد رو تاج سر می‌کنه.» همیشه مادرم رو با احترام مخاطب قرار می‌داد.

سرمایه نمادین

عامل دیگری که در بیان شرکت‌کنندگان با عبارات مختلف در پدیدآیی عدالت جنسیتی مؤثر می‌نماید «سرمایه نمادین»^۱ است. سرمایه نمادین، جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت‌دادن، تعریف‌کردن و ارزش‌گذارن است [۱۹، ص ۱۲۱].

محمد ۴۹ساله، گیلک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

بعضی از افراد خیال می‌کنن احترام، علاقه، تفاهم و کمک به همسر زن‌ذلیلیه. درحالی‌که این نوع اخلاق‌ها و رفتارها نشون‌دهنده حفظ کرامت همسره.

کبری ۶۳ساله، ترک و شیعه‌مذهب می‌گوید:

چون پدرم کدخدا بود و خانواده شوهرم از لحاظ اجتماعی و اقتصادی سطح پایین‌تری از خانواده پدرم داشتن، از اول آزادی عمل در خونه داشته‌م.

سرمایه اقتصادی

نداشتن استقلال مالی و سرمایه اقتصادی^۲ در مصاحبه با افراد زمینه‌ساز و علت بروز ناعدالتی جنسیتی بیان شده است. براساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، توانایی نسبی هریک از زوجین در تأمین بخشی از هزینه‌های خانواده منبع قدرتی است که پایگاه افراد را در نظام سلسله‌مراتبی خانواده تعیین می‌کند. سرمایه اقتصادی همچنین تقسیم کار جنسیتی را در خانواده تحت شعاع قرار می‌دهد. کار بی‌مزد خانه به فراخور دسترسی زوجین به سرمایه اقتصادی بین افراد تقسیم می‌شود. زنی که بیرون از خانه شغلی دارد، شوهر را مجاب می‌کند در انجام‌دادن کارهای خانه همکاری و مشارکت داشته باشند.

محمد گیلک می‌گوید:

چون خانمم شاغل و معلم هستن، نمی‌شه کارهای خونه رو ایشون تنهایی انجام بدن. من در همه کارهای خانه‌داری و مراقبت از بچه‌ها به همسر کمک می‌کنم.

سهیلا ترک و شاغل در بیمارستان می‌گوید:

کار خونه ما جنسیتی نشده. در خانواده ما کارهای خونه رو با مشارکت و همکاری همدیگه (بچه‌ها و شوهرم) انجام می‌دیم.

1. symbolic capital
2. economic capital

همچنین، به نظر بیشتر مصاحبه‌شوندگان، سرمایه اقتصادی به شیوه بوردیویی به سایر سرمایه‌ها تبدیل می‌شود. داشتن شغل درآمدزا برای زن سبب می‌شود زنان از سرمایه‌های دیگر بوردیویی (نمادین، فرهنگی و اجتماعی) نیز بهره‌مند شوند. شغل باعث می‌شود زنان بتوانند ادامه تحصیل بدهند و آگاهی خودشان را بالا ببرند (سرمایه فرهنگی)، در محیط کاری‌شان در گروه‌ها و انجمن‌ها عضویت داشته باشند (سرمایه اجتماعی) و با داشتن انواع سرمایه، احترام و شأن به دست آورند (سرمایه نمادین).

صراف کرد می‌گوید:

اگر امکانات اقتصادی باشد، اکراد روستایی دوست دارن دخترانشون مثل پسرانشون تحصیل کنن و به اشتغال پردازن. اما نبود امکانات و بنیه کم اقتصادی سبب شده دخترها در نهایت تا پایه نهم تحصیل می‌کنن. بعدش ازدواج می‌کنن.

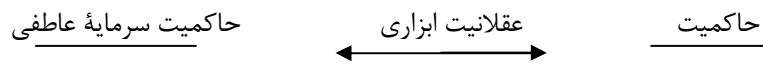
ناصر کرد می‌گوید:

پدیده نوظهوری به نام «شرط ضمن عقد مکانی و داماد سرخانه» از پدیده‌هایی که نشون می‌ده به دلیل بضاعت اقتصادی پایین خانواده داماد، داماد مجبور می‌شه با خانواده عروس و نزد اون‌ها زندگی کنه.

سرمایه عاطفی

یکی از علل مهمی که در شکل‌دهی به عدالت جنسیتی از تحلیل مصاحبه‌ها به‌عنوان یافته‌ای بدیع استخراج شد، سرمایه عاطفی^۱ است. سرمایه عاطفی در کنار سرمایه‌های اجتماعی بوردیو، مکمل بُعدی از ابعاد سرمایه‌های اجتماعی است که می‌تواند در تبیین نظام قشربندی اجتماعی کاربرد داشته باشد. «عاطفه» سرمایه‌ای است که در مواجهه با سایر سرمایه‌های بوردیویی (نمادین، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) میدان‌داری می‌کند و دیگران را مطیع و شیفته خود می‌کند. داشتن جذابیت ظاهری، کلامی، اجتماعی، از شاخص‌های سرمایه عاطفی است. تولید و نمایش اجتماعی ظاهر بدن در عصر حاضر نشان‌دهنده این واقعیت است که جذابیت ظاهری و ارتباطی، مانند دیگر سرمایه‌ها، در ارتقای منزلت اجتماعی و اقتصادی فرد تأثیر دارد. تیپ ظاهری مناسب و قدرت کلام سبب می‌شود توان چانه‌زنی فرد در عرصه رقابت افزایش یابد و مانع پامال‌شدن حقوقش شود. قدرت کلام در تعاملات اجتماعی، هنر متقاعد کردن دیگران، احساساتی‌کردن واژه‌ها، قدرت درک متقابل افراد و همدلی، که مجموعاً سرمایه عاطفی فرد را تعیین می‌کنند، در ارتقای شأن اجتماعی و اقتدار فرد مؤثر است. ویژگی محاسبه‌گری انسان حکم می‌کند همواره میل به تملک و افزایش دارایی داشته باشد. اما این قضیه در همه‌جا و در همه زمان‌ها شمولیت ندارد؛ به‌عبارتی،

عقلانیت ابزاری و داشتن سرمایه عاطفی دو سر یک طیف‌اند که هر چه از همدیگر فاصله بگیرند، میزان سلطه و نابرابری جایش را به برابری و عدالت می‌دهد.



سلطه و نابرابری عدالت و همدلی

در جهان امروز، به خصوص در جوامع شهری و صنعتی، نان و نام دو عنصری هستند که روابط متقابل انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. می‌توان گفت در جوامعی که ویژگی گزلفشافتی دارند، ارزشمندی انسان در همدلی، گذشت و برابری نیست، بلکه شأن و رتبه بالاتر در گرو برخوردار بودن از نان و نواست. فرقی نمی‌کند با تزویر و تظاهر به دست آید یا با مفت‌سواری و استثمار کردن دیگران. بنابراین، عامل مهمی که می‌تواند مانع شکل‌گیری رفتارهای اعتراض‌آمیز در مقابل عدم تحقق پاداش‌های اقتصادی و اجتماعی شود، عملیاتی‌شدن سرمایه عاطفی در تعاملات و دوری از هرگونه اجبار و اعمال قدرت بین کنشگران اجتماعی است. از نهادهایی که به سبب وجود انرژی عاطفی و فهم متقابل در روابط اعضا، روابط فرادستی و فرودستی در آن کمتر مشاهده می‌شود، نهاد خانواده است. براساس نتیجه مصاحبه‌های انجام‌شده، با ترکیب مؤلفه‌هایی چون زیبایی ظاهری، سرزندگی و خوش‌مشربی از یک طرف و داشتن قوه درک و توان همدلی فرد با دیگران، انسان به سرمایه‌ای مجهز می‌شود که در این پژوهش از آن به منزله «سرمایه عاطفی» نام برده می‌شود. سرمایه عاطفی به فرد این امکان را می‌دهد که بدون در نظر گرفتن قدرت‌طلبی و انحصارگرایی، آنچه را برای خودش می‌پسندد برای دیگران نیز بپسندد. همچنین، دیگران نیز در این تعامل به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد صاحب سرمایه عاطفی، بدون هیچ مقاومتی، انتظارات وی را جامعه عمل می‌پوشانند. خلاصه اینکه عشق و علاقه به هم‌نوع را اگر از مغازه می‌شد خرید، در آن صورت، پول مهم‌تر از سرمایه عاطفی در نظام قشربندی محسوب می‌شد.

از نظر مصاحبه‌شوندگان، چاشنی زندگی زناشویی درک متقابل، تفاهم و حاکمیت عشق در کانون خانواده است. ملازمت شور و شعور دو بال تحقق عدالت‌اند که عناصر تربیتی را قادر می‌سازد انسانی را تربیت کند که جزء به هم‌نوع‌خواهی و عدالت‌طلبی نیندیشد.

حمیرا، گیلک و ۴۵ ساله که بعد از دو سال زندگی مشترک از همسرش جدا شده می‌گوید:

در زندگی زناشویی اگر اعتماد و احساس و محبت راستین باشه، انسان در روزمرگی و زندگی تکراری و کسل‌کننده درجا نمی‌زنه. حتی اگر نون شب نداشته باشه. به نظر من زن‌ها بیشتر از تمسخر، بی‌اعتمادی و درک نشدن در خونه در عذابان.

یلدا، گیلک و ۴۱ ساله می‌گوید:

... فرد پرتوقعی نیستم. چندان به پول و دارایی و مکتب و منال اهمیت نمی‌دم. آنچه در

زندگی برام اهمیت داره صمیمیت، تفاهم و آرامشه.
و حید ترک، که همسرش نیز شاغل است و دوباب مغازه و دو طبقه ساختمان در مرکز شهر دارد، می‌گوید:
زندگی رو شور و احساسه که دوام می‌ده، نه پول و مستغلات.

تفکر قالبی

تفکر قالبی^۱ تصورات و پیش‌فرض‌هایی‌اند که برداشت‌ها و تفسیرهای افراد را در تعریف جنسیت، بدون پشتوانه تحقیقی و علمی و فارغ از هرگونه منطق و استدلال عقلی، تعیین می‌کند. بخشی از عللی که مصاحبه‌شوندگان در تعیین نوع ادراک عدالت جنسیتی به آن اشاره کردند، برداشت و عمل بر پایه آموزه‌های غلط ذهنی و رفتاری و بدون پشتوانه علمی است که در این پژوهش تفکر قالبی نامیده می‌شود.

در اظهارات بعضی از مصاحبه‌شوندگان، زن موجودی احساساتی، کوتاه‌فکر و به لحاظ جسمانی ضعیفه قلمداد می‌شود و در مقابل مرد، موجودی قوی‌الجثه، خشن و از لحاظ ذهنی، مبتکر و خلاق به تصویر کشیده می‌شد. محیط خانه در قیاس با کارهای بیرون از خانه همواره آرام‌تر و کارهایش نیازمند به ظرافت و احساسات فرض می‌شد و کارهای بیرون از خانه نیازمند داشتن قوای جسمانی و اندیشه‌های مبتکرانه و هوشمندانه. حتی اگر موجود ضعیف! بخواهد در بیرون از خانه حضور داشته باشد، نیازمند مراقبت و نظارت است. اگر این موجود هنجارشکنی کند و با شعور و آگاهی خود بتواند با حضور در جامعه مدیریت بخشی از جامعه را برعهده گیرد، در فهرست افراد نابهنجار قرار می‌گیرد که به تعبیر فوکو نیازمند تربیت صحیح است. نهادهای بهنجارساز (خانواده، مدرسه و رسانه) باید به این انسان آگاه، جسور و مدیر تصویری بهنجار از یک زن تابع احساساتی، که کارگاهش فقط آشپزخانه بوده و نهایت ابتکارش طراحی دوخت در کنج خانه، نشان می‌داد تا هژمونی مردسالاری در این نظام قدرت به‌طور شایسته درونی و نهادینه شود. ترس از مسخره عام و خاص، نوشته‌شدن هویت خانواده در پیشانی پسر، ناقص‌العقل بودن زن، تابو بودن سفر زن بدون مراقبت از او و... از تفکرات قالبی هستند که در مصاحبه افراد به آن پرداخته شده بود.

سهیلا ترک می‌گوید:

مادرشوهرم در دفاع از پسرش (شوهرم) گفت: زنان به دلیل اینکه ناقص‌العقل و ضعیفه هستن حتماً باید سایه یه مرد بالا سرش باشه. به ایشون گفتم یعنی شما ناقص‌العقل بودید که نه ماه پسرتون رو در شکمت نگه داشتی، تربیتش کردی، در درس و مشقش کمکش کردی.

هاجر کرد می‌گوید:

1. stereotype

هویت خانواده رو پیشونی پسره. اگر زن نتونه پسر بیاره، اجاق خونه کور می‌شه.

مریم گیلک می‌گوید:

ترس از مسخره عام و خاص شدن مانع از این می‌شه که دوچرخه برونی.

البته از نظر مصاحبه‌شوندگان، تفکرات قالبی آموزه‌هایی هستنند که پدر و مادر به فرزندش یاد می‌دهند و در فرایند جامعه‌پذیری آموخته می‌شود.

سهیلا می‌گوید:

اگر والدین افکار کلیشه‌ای نداشته باشن، بچه‌ها به راحتی می‌تونن از حقوقشون دفاع کنن. معتقدم خودباوری و غلبه بر کلیشه‌های جنسیتی رو پدر و مادر به بچه‌ها یاد می‌دن.

نتیجه‌گیری

ادراک عدالت جنسیتی مفهومی انتزاعی و تاریخمند است که برای شناخت و مطالعه آن برداشت کنشگران درگیر با این مفهوم را ضروری می‌نماید. عدالت جنسیتی در برابر تبعیض و نابرابری جنسیتی در تحقیقات و نظریه‌های حوزه مطالعات زنان بارها تکرار شده است و هر فردی براساس آبخور فکری خود به تعریف آن پرداخته است. بر این اساس، این پژوهش با هدف شناخت مفهوم عدالت جنسیتی از دیدگاه اقوام ترک، کرد و گیلک انجام شد که نتایج آن در سه بخش پرداخته می‌شود:

الف) مطابق تحلیل‌های صورت گرفته، برداشت اقوام ترک، کرد و گیلک از مفهوم عدالت جنسیتی را به دوگونه متمایز از هم می‌توان دسته‌بندی کرد: ۱. ادراک عدالت جنسیتی سنتی، ۲. ادراک عدالت جنسیتی مدرن. در تعریف مصاحبه‌شوندگان، منظور از مقوله سنتی از ادراک عدالت جنسیتی این است که انقیاد و فرمانبری زن ارزشی است که زن به دلیل ویژگی‌های بیولوژیکی، روانی و عاطفی خود باید در فرایند جامعه‌پذیری آن را در خود درونی کند. زن، به حکم ویژگی طبیعی‌اش، مستحق فرمانبری و اطاعت است و زن توانمند آن است که با چاشنی احساس و عاطفه امکانات رفاهی شوهر و فرزندانش را فراهم کند. به تعبیر گرامشی، هژمونی شوهرسالاری یا مادرشوهرسالاری در اغلب خانواده‌هایی که از نظر سرمایه‌های بوردیویی بی‌بهره‌اند، یا وضعیت اجتماعی محل زندگی فرد ویژگی‌های گیمینشافتی داشته این نوع برداشت را شکل می‌دهد. در این تعریف، نقش‌های جنسیتی در دو حوزه عمومی و خصوصی توزیع می‌شود؛ به گونه‌ای که میدان کار و فعالیت زن خانه و پیرامون خانه و میدان اشتغال و فعالیت مرد بیرون از خانه است. همچنین، مضمون روایات پاسخ‌گویان نشان داد تفسیر سنتی از ادراک عدالت جنسیتی دستخوش دگرگونی شده و برداشت از عدالت جنسیتی به مدرن تغییر می‌یابد. در این نوع برداشت، عدالت جنسیتی تقسیم محل فعالیت زنان و مردان به خانه و بیرون از خانه نیست، بلکه هریک از افراد خانواده به فراخور وقت و توانایی‌اش سهمی در

انجام‌دادن امور دارند. کارآموزی، مهارت‌افزایی، تحصیل، توان تصمیم‌گیری و حق انتخاب مؤلفه‌هایی هستند که هرکس به حکم انسان‌بودنشان حق بهره‌مندی از آن را دارد. در این تفسیر، مودت و رحمت در کانون خانواده و توانایی و خودآگاهی در جامعه بال‌هایی هستند که امکان بازتولید عدالت جنسیتی را فراهم می‌کنند. در برداشت مدرن از عدالت جنسیتی، پسرزا یا دخترزا بودن مادر و اطاعت کلیشه‌ای از شوهر منبع تولید شأن برای زن قلمداد نمی‌شود، بلکه شأن و منزلت زن با توزیع منصفانه فرصت‌ها و توانمندی‌ها برای دسترسی به مسئولیت‌های اجتماعی و فردی تعیین می‌شود.

ب) از دیدگاه پاسخ‌گویان مفهوم ادراک عدالت جنسیتی با چهار مقوله اصلی تعریف می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. ادراک عدالت مناسکی، ۲. عدالت در توانمندی، ۳. ادراک عدالت در آزادی عمل و ۴. ادراک عدالت مبادله‌ای. براساس معرف‌هایی که اقوام برای هر یک از مقوله‌های یادشده بیان کردند، ادراک عدالت جنسیتی مفهومی است که هر فرد براساس موقعیت اجتماعی و تاریخی خود از توزیع منصفانه امکانات و توانمندی‌ها برای دسترسی به منابعی که انقیاد و فرودستی را کاهش دهد و با حذف هرگونه پیش‌فرض در تعاملات اجتماعی زنان و مردان آزادی عمل آنان را در تصمیم‌گیری‌ها فراهم کند.

ج) براساس تحلیل روایات، عوامل درون‌قومی که در شکل‌دهی پدیده ادراک عدالت جنسیتی شناسایی شد عبارت‌اند از: سرمایه‌های اجتماعی (سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه نمادین، سرمایه اقتصادی و سرمایه عاطفی) و تفکر قالبی افراد. بین سرمایه‌های اجتماعی سرمایه‌ای که با تخیل جامعه‌شناختی از مصاحبه‌ها کشف شد و ضمیمه سرمایه‌های اجتماعی بوردیو می‌توان نامید، سرمایه عاطفی است. این مفهوم، که در آموزه‌های سنتی و مذهبی ایرانیان ریشه دارد، با معرف‌هایی چون مودت و رحمت، تفاهم و همدلی، جذابیت کلامی و اجتماعی در فرد نوع برداشت افراد از ادراک عدالت جنسیتی را تعیین می‌کند.

در نتیجه‌گیری کلی باید گفت ادراک عدالت جنسیتی در عناصر اجتماعی، فرهنگی و تاریخی ریشه دارد. اقوام ترک و کرد و گیلک به سبب تعلق داشتن به قومیت خاص، برداشت و تفسیر متفاوتی از ادراک عدالت جنسیتی دارند و عوامل درون‌قومی در شکل‌دهی به نوع برداشت‌ها تعیین‌کننده است. بر این اساس، برای عملیاتی‌شدن عدالت جنسیتی در عملکرد افراد و ساختارهای جامعه پیشنهاد می‌شود عناصر تربیتی اعم از والدین، معلمان، دست‌اندرکاران رسانه، مقولات ادراک عدالت مناسکی، ادراک عدالت در توانمندی، ادراک عدالت در آزادی عمل و ادراک عدالت مبادله‌ای را از اولین روزهای دوره جامعه‌پذیری کودک با اتخاذ روش‌های متناسب بر هر دوره رشد انسان نهادینه کنند. همچنین، کتاب‌های درسی و پیام‌های رسانه جمعی از عوامل انتقال عناصر فرهنگی از مقوله‌های عدالت جنسیتی است. پیشنهاد می‌شود محتوای کتاب‌های درسی و فیلم‌ها، سریال‌ها و سایر پیام‌های تولیدشده در صدا و سیما برحسب عدالت جنسیتی تحلیل محتوا قرار گیرد.

منابع

- [۱] اچاوز، چونا آر؛ آر ای، پیلانگو؛ لیا، ویلفردا؛ موسوی، سید مهدی (۲۰۱۵). *سوی دیگر نابرابری جنسیتی: مردان و خصوصیات مردانگی در افغانستان*، ترجمه سید رضا کاظمی، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.
- [۲] استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.
- [۳] بخارایی، احمد؛ یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۴). «بررسی مقایسه‌ای: موانع فرهنگی تحقق عدالت جنسیتی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره سوم، ش ۴، ص ۵۸۳-۵۵۹.
- [۴] بوردیو، پیر (۱۳۸۴). *تمایز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- [۵] پورطاهری، مهدی؛ پوروردی نجات، مینو (۱۳۸۲). «سنجش نابرابری جنسیتی بین زنان روستایی: مطالعه موردی استان گیلان»، *دانش‌نامه علوم اجتماعی*، دوره اول، ش ۲، ص ۱۱۵-۱۵۵.
- [۶] جلائی‌پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال (۱۳۸۸). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، تهران: نی.
- [۷] دبووار، سیمون (۱۳۸۵)، *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعودی، تهران: توس.
- [۸] رابینگتن، ازل؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۹۵). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌اله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۹] رفعت‌جاء، مریم؛ رهبری، لادن (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی اکتشافی برداشت از مفهوم زنانگی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۳، ش ۲، ص ۳۱۱-۳۳۴.
- [۱۰] ریتزر، جورج (۱۳۸۳). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چ ۱۹، تهران: انتشارات علمی.
- [۱۱] ریتزر، جورج (۱۳۹۲). *مبانی نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز ممسی‌پرست، چ ۲، تهران: ثالث.
- [۱۲] عنایت، حلیمه؛ عنبری روزبهنی، مهدخت (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با نابرابری جنسیتی در میان دختران ۱۸ تا ۵۹ ساله شهر تهران»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، س ۷، ش ۳، ص ۱۲۳-۱۵۲.
- [۱۳] قادری، علیرضا؛ ندوشن، خادمی (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر نقش‌مایه‌های اساطیری بر پیکر‌تراشی دوره اشکانی»، *فصل‌نامه پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای*، س ۲، ش ۴، ص ۷۸-۹۰.
- [۱۴] کلانتری، عبدالحسین؛ فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲). «فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده درباره نابرابری جنسیتی»، *فصل‌نامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، ش اول، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- [۱۵] گرت، استفانی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: دیگر.
- [۱۶] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۱۷] محمدپور، احمد (۱۳۸۹). «طرح‌های تحقیق با روش‌های ترکیبی: اصول پارادایمی و روش‌های فنی»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۴، ش ۲، ص ۱۰۶-۱۴۱.
- [۱۸] معیدفر، سعید؛ دهنوی، جلیل (۱۳۸۴). «بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو»، *فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات زنان*، دانشگاه الزهراء، پژوهشکده زنان، س ۳، ش ۷، ص ۵۱-۷۵.

- [۱۹] هداونداول، غزل؛ محرابی، حسینعلی؛ یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر عامل قومیت بر سلامت روان، همسرآزاری، حمایت اجتماعی و رضایت زناشویی زنان»، فصل‌نامه مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان، س ۱۵، ش ۲، ص ۸۱-۱۰۴.
- [20] Bourdieu, Pierre (1984). *Distinction: A social critique of the judgment of taste*, (R. Nice, Trans), New York, NY: Harvard University Press.
- [21] Klingorova . Kamila& Havlicek Tomas (2015). “Religion and gender inequality: The status of women in the societies of world religions”, *Moravian Geographical Reports*, vol. 23, No. 2, PP 2-11.
- [22] Reitz. G, Jeffrey,Phan, B.Mai & Banerjee,Rupa (2014). “Gender equity in Canada’s newly growing religious minorities”, *Publication in Ethnic and Racial Studies*, Vol. 11, PP 681-699.

